

بررسی چالش‌های جابه‌جایی جمعیت در نروژ رژیم صهیونیستی

علی آذری¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال نوزدهم، شماره 2، پیاپی 74، تابستان 1397؛ صفحات 101-122

تاریخ دریافت: 1397/06/15

تاریخ پذیرش نهایی: 1397/07/05

چکیده

از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی تاکنون، برنامه‌ریزی آمایش جمعیتی سرزمین توسط دولت‌های مختلف، شامل یک استراتژی پراکندگی نسبتاً متوازن جمعیت بوده است. در ابتدا این سیاست در راستای حفاظت از یک منطقه جغرافیایی علیه تهاجم ارتش‌های عربی به عنوان بخشی از مفهوم دفاع سرزمینی بود که در آن جوامع و مناطق دور افتاده نقش کلیدی در سیستم دفاع مرزی داشتند. یک مرحله بعد، این سیاست برای تأثیر بر تعادل جمعیتی میان یهودیان و اعراب در مناطق دورافتاده طراحی شد. در چارچوب این سیاست، بودجه‌های هنگفتی برای ایجاد جوامع جدید و اصلاح نسل و افزایش امید به زندگی در الجلیل، منطقه شرق شارون و نقب و دیگر مناطق اختصاص داده شد. علی‌رغم این تلاش‌ها و همچنین با توجه به الگوهای جمعیت‌شناختی مرتبط در سراسر جهان که گروه‌های جمعیتی به مراکز اقتصادی و اجتماعی کشورشان در شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، اولویت جامعه صهیونیستی برای زندگی در مرکز اسرائیل در سه دهه گذشته قوی‌تر شده است. این روند در یک حرکت عظیم از ساکنان «نقب» و «الجلیل» به مرکز بوده است و ساکنان مناطق مرکزی هم ترجیح می‌دهند که در همانجا بمانند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در پراکنده کردن جمعیت خود در سراسر سرزمین‌های اشغالی با مشکل جدی مواجه شده و اشتیاق به زندگی در مناطق جنوبی و شمالی سرزمین‌های اشغالی کاهش یافته است. از آنجا که عمق راهبردی هر کشور تنها با مؤلفه‌های نظامی-امنیتی تعیین نمی‌شود، مسائل جمعیتی و هویتی در افزایش عمق راهبردی مؤثر است و رژیم صهیونیستی ذاتاً از نظر نظامی-امنیتی فاقد عمق راهبردی است و در مواجهه با مسئله جابه‌جایی جمعیت از شمال و جنوب سرزمین‌های اشغالی به مرکز با چالش و بحران جدی روبرو می‌باشد.

واژگان کلیدی

جابه‌جایی جمعیت، رژیم صهیونیستی، نقب، الجلیل، عمق راهبردی

1. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و کارشناس حوزه شامات مؤسسه اندیشه‌سازان نور



مقدمه

معمولاً اکثر الگوهای جمعیت شناختی در سراسر جهان نشان می‌دهند گروه‌های جمعیتی به مراکز اقتصادی و اجتماعی کشورشان در شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند. این الگو در درون رژیم صهیونیستی هم صدق می‌کند و اولویت جامعه صهیونیستی برای زندگی در تل‌آویو و مرکز سرزمین‌های اشغالی بیشتر از سه دهه قبل شده و در حال افزایش است. این روند در یک حرکت عظیم از ساکنان «نقب» و «الجلیل»¹ به مرکز کاملاً مشهود است و ساکنان مناطق مرکزی هم ترجیح می‌دهند که در همان جا بمانند. جدول شماره یک نشان می‌دهد که میانگین روند ورود و خروج جامعه صهیونیست از 1985 تا 2015 به نواحی مرکزی سرزمین‌های اشغالی، هر چند نوساناتی داشته است ولی مثبت بوده و هیچ گاه منفی نشده است.

جدول 1. مهاجرت داخلی به ناحیه مرکزی سرزمین‌های اشغالی 1985-2015

(Central Bureau of Statistics² of Israel pdf 26 , 2015)

سال	1958	1992	2000	2008	2014	2015
ورودی	34100	56900	62800	73700	74400	74100
خروجی	30100	48900	47600	62000	62300	63300
توازن	+4000	+8000	+15200	+11700	+12100	+10800

این روند منجر به آن شده است که 40/6 درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی در تل‌آویو که 7 درصد از فضای فیزیکی سرزمین‌های اشغالی را تشکیل می‌دهد، ساکن شوند. این منطقه شامل نواحی مرکزی و تل‌آویو می‌باشد. (از «تتانیاس» به شمال، از «مک کام ریت» به شرق و از «رهووت» به جنوب) از سوی دیگر، 8 درصد از

1. الجلیل به عنوان مهم‌ترین منطقه در شمال سرزمین‌های اشغالی و نقب به عنوان بزرگ‌ترین منطقه مسکونی در مناطق بیابانی سرزمین‌های اشغالی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.
2. مرکز آمار مرکزی رژیم صهیونیستی مهم‌ترین مرکز آمار این رژیم ذیل نخست‌وزیری می‌باشد.



جمعیت رژیم صهیونیستی در منطقه «نقب» از دره «بیر شوا» تا «ایلات» که 60 درصد از مساحت اسرائیل را شامل می‌شود، زندگی می‌کنند. به همین ترتیب، 15 درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی در جلیله (مناطق تسفات، کینست، آکری و جزئرل) زندگی می‌کنند که از مرز با لبنان تا دره یزرئل، 16 درصد از خاک سرزمین‌های اشغالی را تشکیل می‌دهد. جدول شماره دو پراکندگی جمعیت رژیم صهیونیستی را در مناطق مختلف نشان می‌دهد. (Barkat, 2016)

جدول 2. پراکندگی جمعیت در رژیم صهیونیستی

(Central Bureau of Statistics of israel pdf 19 , 2015)

	مرکز اسرائیل و تل‌آویو	صحرای نقب	الجلیل
سهام زمین کشور 20770 کیلومتر مربع	1479 کیلومتر مربع 7 درصد	12918 کیلومتر مربع 60 درصد	3319 کیلومتر مربع 16 درصد
سهام کل جمعیت 8380100 نفر	3407400 نفر 40 درصد	687400 نفر 8 درصد	1322600 نفر 15 درصد

بنابراین می‌توان نگرانی بسیاری از کارشناسان صهیونیست را از تمایل زندگی جامعه صهیونیست‌ها در مناطق مرکزی سرزمین‌های اشغالی درک کرد. در این مقاله ریشه‌ها، دلایل و نتایج جابه‌جایی جمعیت در درون رژیم صهیونیستی، واکاوی شده و راه‌کارهای رژیم صهیونیستی برای فرار از این چالش، مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

1. نظریه جاذبه - دافعه «دوری توماس»

در سال 1941 میلادی نظریه مشهوری در زمینه مهاجرت به نام جاذبه - دافعه توسط دوری توماس مطرح شد. این نظریه برای تبیین مهاجرت، بر عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان مبدأ و مقصد متمرکز می‌شود و بیان می‌دارد که وجود





عدم تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی در مبدأ، موجب دفع افراد از این مکان‌ها می‌شود (دادرس، 1374 : 52) و برعکس، در مناطق مقصدی که عوامل اجتماعی-اقتصادی به صورتی در کنار هم قرار گرفته‌اند که افراد را جذب کرده و تا زمانی که عوامل دافعه در مبدأ پا برجا هستند و در مقابل بر عوامل جاذبه در مقصد افزوده می‌شود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. الگوهایی که مهاجرت را تابعی از بیکاری می‌دانند نیز عمدتاً در چارچوب نظریه جاذبه - دافعه مطرح شده‌اند؛ به طوری که افزایش بیکاری مبدأ (عامل) انگیزه مهاجرت را از آن نقطه به نقاطی که سطوح بیکاری در آنها کم و یا فرصت‌های شغلی بیشتری در دسترس باشد (عامل جاذبه)، فراهم می‌کند. (فخری زاده چنارسوخته، 1390 : 45-46) لذا در این مقاله برای تبیین چرایی علل مهاجرت از پیرامون به مرکز رژیم صهیونیستی شاخص بیکاری احصا شده از نظریه دوری توماس به عنوان یک متغیر مستقل مورد توجه قرار خواهد گرفت.

2. نظریه لاری ساستاد

نظریه ساستاد را می‌توان به نوعی زیرمجموعه مکتب انتخاب عقلانی قلمداد نمود. لاری ساستاد به مسأله مهاجرت از دیدگاه سرمایه‌گذاری می‌پردازد. وی الگوی سرمایه انسانی در مهاجرت را تصمیمی برای سرمایه‌گذاری فردی معرفی می‌نماید. با توجه به سطح مهاجرت، افراد ارزش فعلی سرمایه انسانی را در مقصد و در مقایسه با موقعیتی که در مبدأ دارند، محاسبه می‌کنند. اگر بازده خالص هزینه فعلی مهاجرت در مقصد بزرگ‌تر از بازده مبدأ باشد، مهاجرت رخ می‌دهد. ساستاد، در الگوی خود، به هزینه‌های مهاجرت و درآمدهای قابل انتظار مبدأ و مقصد می‌پردازد و آنها را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت می‌داند (زرقانی، 1386 : 96) در این حالت، هزینه انتقال شامل هزینه‌های مالی - مانند هزینه مسافرت، تفاوت در هزینه زندگی، درآمد پیشین در هنگام مهاجرت و هم چنین شامل افزایش هزینه‌های روانی - برای نمونه جدایی از خانواده و دوستان

می شود. بر اساس این نظر، هر نوع ارزشیابی شخصی از سود و زیان به خصوصیات فردی - مانند سن، جنس و تحصیل - بستگی دارد. فرد مهاجر تمامی این هزینه ها را محاسبه می کند و درآمد مورد انتظار در مقصد و درآمد مورد انتظار در مبدأ را مورد توجه قرار می دهد و با مقایسه آنها، برای مهاجرت تصمیم گیری می نماید و مهاجرت زمانی صورت می گیرد که هزینه واقعی مهاجرت، کمتر از درآمد قابل انتظار مقصد باشد. (سرایبی، حسینی و قنبری، 1394: 95) لذا یکی دیگر از متغیرهای مورد توجه در این مقاله برای توضیح مهاجرت در داخل سرزمین های رژیم صهیونیستی، اختلاف سطح درآمدی در مشاغل مشابه بین مرکز و پیرامون خواهد بود.

3. مدل جذب و دفع راونشتاین

راونشتاین از جمله نظریه پردازانی است که اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی را در فرایند مهاجرت مطرح نمود. وی تلاش کرد بر اساس منطق، رفتار مهاجرین و چگونگی مهاجرت آنها را روشن کند. او قوانین جذب و دفع را با استفاده از اطلاعات به دست آمده در قرن نوزدهم، بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات، محل تولد و نتایج سرشماری عمومی در سال های 1871 و 1881 میلادی در انگلیس به دست آورد. این تفکر که در قالب قوانین مهاجرت در انتهای قرن نوزدهم پیشنهاد گردید، به پیروی و طراحی بعضی از عوامل در تصمیم به مهاجرت مؤثر بوده است (زرقانی و سجاسی قیداری، 1392: 62). در این طرح او عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی که باعث گریز از محل زندگی و گرایش به استقرار در نقاط مساعدتر و مطلوب تر می شوند را بررسی کرد و در نهایت، در مهاجرت مردم یک رفتار عقلانی مشاهده کرد (نظریان، 1381: 157). لذا او بر اساس یافته های به دست آمده، معتقد به قانونمندی در حرکت های مهاجرتی بود (حاج حسینی، 1385: 247). بر اساس نظریه راونشتاین اختلاف سطح در خدمات آموزشی و بهداشتی دلیل عقلانی برای مهاجرت است.



لذا در این مقاله پس از بررسی آمارهای کلی مهاجرت داخلی در رژیم صهیونیستی، با رویکرد «ترکیب نظری»، چهار شاخص اشتغال و بیکاری، سطح درآمد، بهداشت و آموزش به عنوان مؤلفه‌های اصلی از سه نظریه فوق‌الذکر برای تبیین مطلوب مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

آمارهای کلی مهاجرت از شمال و جنوب به مرکز رژیم صهیونیستی

مهاجرت گسترده ساکنان «نقب» و «الجلیل» به مرکز رژیم صهیونیستی طی سه دهه گذشته تقریباً به طور کامل بین جمعیت یهودی برجسته است، در حالی که هم‌زمان این مناطق رشد قابل ملاحظه‌ای در جمعیت عرب خود داشته‌اند. این تغییرات موجب تضعیف تعادل جمعیتی میان یهودیان و اعراب در «نقب» و «الجلیل» بوده که در مجموع معادل 76 درصد می‌باشد. در سرزمین‌های اشغالی در الجلیل، در سال 1961، نسبت جمعیت یهودیان به طور منظم کاهش یافته و در سال 2015 به 43,1 درصد رسید؛ در حالی که در مرکز کوهستانی الجلیل (ناظرته ایلات، میسگاو و منطقه کاریمیل)، نسبت جمعیت یهودیان تا 20 درصد کاهش یافته است. (Yozgof,2016:11)

جدول 3. تعادل جمعیتی، ناحیه شمالی 1948-2015

(Central Bureau of Statistics of israel pdf 19 , 2015)

	1948	1961	1972	1983	1995	2008	2014	2015
تعداد اعراب	90600	142800	218200	329000	44864004	693300	770700	784400
درصد اعراب	%63	%42/4	%46/1	%50/2	%51/4	%56/7	%56/8	%56/9
تعداد یهودیان	53400	194300	255700	327000	460500	548800	587900	59600
درصد یهودیان	%37	%57/6	%53/9	%49/8	%48/6	%43/3	%43/2	%43/1

انتظار می‌رود این روند با توجه به نرخ سالانه افزایش طبیعی جمعیت یهودی (1,4 درصد) و جمعیت عرب (1,7 درصد) و با توجه به ادامه مهاجرت به تل‌آویو توسط یهودیان در الجلیل ادامه یابد.



جدول 4. مهاجرت داخلی یهودیان، ناحیه شمال، 1985-2015

(Central Bureau of Statistics of israel pdf 26 , 2015)

	1985	1992	2000	2008	2014	2015
ورودی	14400	25200	17800	21000	22100	23600
خروجی	15400	28300	19800	20500	23300	23700
توازن	-1000	-3100	-2000	+500	-1200	-100

«نقب» پدیده مشابهی را تجربه می‌کند. از سال 1995 (بعد از امواج مهاجرت یهودی از شمال آفریقا و اتحاد جماهیر شوروی سابق)، نسبت جمعیت یهودیان به تدریج کاهش یافته و در سال 2015 به 59,7 درصد رسید.

جدول 5. تعادل جمعیتی یهودیان، نقب، 1948-2015

(Ibid)

	1948	1961	1972	1983	1995	2008	2014	2015
تعداد اعراب	13000	18300	29800	43700	95800	219500	270400	279700
درصد اعراب	%91/6	%18/9	%18/5	%15/9	%22/8	%36/4	%39/8	%40/3
تعداد یهودیان	1200	78900	171400	231300	323100	383000	409200	415600
درصد یهودیان	%8/4	%81/1	%81/5	%84/1	%77/2	%63/6	%60/2	%59/7

افزون بر این، علاوه بر مهاجرت یهودیان از مناطق جنوبی، نرخ سالانه افزایش طبیعی در میان جمعیت یهودیان باقی مانده 1,6 درصد است که بیش از 60 درصد پایین‌تر از میانگین رشد جمعیت عرب (3,7 درصد) است که نتیجه فرهنگ تعدد زوجات در جوامع عربی است.

جدول 6. مهاجرت داخلی یهودیان، منطقه جنوبی، 1985-2015

(Central Bureau of Statistics of israel pdf 13 , 2015)

	1985	1992	2000	2008	2014	2015
ورودی	16800	37200	26300	26300	27800	28200
خروجی	20300	27700	27300	29600	29600	29700
توازن	-3500	+9500	-1000	-3300	-1800	-1500





عوامل مؤثر بر مهاجرت داخلی رژیم صهیونیستی

پس از ارائه آمارهای کلی مهاجرت در درون رژیم صهیونیستی، با توجه به شاخص‌های احصا شده در مبانی نظری به بررسی این عوامل می‌پردازیم.

1. اشتغال و بیکاری و سطح درآمد

یک نظرسنجی که در آوریل 2015 انجام شد نشان می‌دهد که 85 درصد جمعیت در مرکز اسرائیل علاقه مند به رفتن به «نقب» و «الجلیل» نیستند که عمدتاً به دلیل عدم وجود شغل (27 درصد) و کیفیت پایین زندگی (15 درصد) است. جای تعجب نیست که این نظرسنجی نشان می‌دهد که این رویکرد، دلایل اصلی 78 درصد ساکنان در حال مهاجرت مناطق «نقب» و «الجلیل» به مرکز اسرائیل نیز هست. به عنوان مثال، در اشتغال، متوسط حقوق ماهانه در مناطق تل‌آویو و مرکزی بیش از دو برابر حقوق معادل در «نقب» و «الجلیل» است. (Yair, 2015) یک گزارش بانکی اسرائیل در سال 2015 نشان داده بود که درآمد متوسط هر خانوار برای هر 100 کیلومتر دورتر از تل‌آویو، 15 درصد کمتر است.

علاوه بر این، نرخ بیکاری و نسبت کارکنانی که درآمد کمتر از حداقل دستمزد را در مناطق جنوبی و شمالی دارند بسیار بالاتر از نرخ‌های مشابه در مناطق تل‌آویو و مرکزی بوده است. این شکاف‌ها نتیجه اختلافات در نوع فعالیت اقتصادی بین مناطق است. بنابراین، در حالی که استخدام در «نقب» و «الجلیل» مبتنی بر صنایع متداول است که با انگیزه به دست آوردن زمین‌های ارزان و دولتی به آنجا رفته‌اند، اشتغال در مرکز اسرائیل مبتنی بر بخش‌های سلامت و خدماتی مانند بانک، بیمه و مراکز نرم‌افزاری است. (جدول شماره 7)

این تفاوت در بحث مشاغل خدماتی یا صنعتی چند دلیل مهم دارد. اول، در حالی که بخش خدمات اسرائیلی برای مشتریان محلی در میان خود رقابت می‌کند، بخش‌های صنعتی متعارف مجبور به رقابت با تولیدکنندگان خارج از کشور هستند (به عنوان مثال، کارخانه‌های نساجی چینی).



دوم، در حالی که تعداد مشاغل در بخش خدمات در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است، تعداد مشاغل در صنایع متعارف بسیار کم شده است و به همین دلیل عرضه مشاغل در «نقب» و «الجلیل» بسیار کم بوده است. (بر این اساس هیچ رقابتی برای استخدام کارمندان محلی وجود ندارد.)

سوم، وابستگی اقتصادی در «نقب» و «الجلیل» در صنایع متعارف، برای آینده چالش ایجاد می‌کند و عدم قطعیت اشتغال را با توجه به فرایندهای دیجیتال‌سازی، اتوماسیون و هوش مصنوعی که حضور نیروی انسانی را غیرضروری می‌سازند، پدید می‌آورد. علاوه بر این، صنعت متعارف در «نقب» و «الجلیل» از درجه بالایی از تمرکز رنج می‌برد که در آن تعداد محدودی از شرکت‌های بسیار بزرگ مانند «سودا استریم» و «مواد شیمیایی اسرائیل»، بیشتر ساکنان محلی را استخدام می‌کنند. بنابراین، اگر این شرکت‌ها با شرایط سخت روبرو شوند و یا تصمیم به نقل مکان به مناطق دیگر را داشته باشند، می‌تواند یک چالش اشتغال برای کل مناطق ایجاد کند. (Netta, 2017)

جدول شماره 7- شکاف بین «نقب» و «الجلیل» و مرکز اسرائیل در بحث اشتغال

(Central Bureau of Statistics of israel pdf 10 , 2015)

راهنمای مقایسه	نواحی جنوب	نواحی شمال	تل‌آویو
میانگین دستمزد ماهانه	NIS7439 (واحد پول رژیم صهیونیستی)	NIS7035	NIS9,444
نرخ بیکاری	6/6%	6/2%	3/7%
درصد کسانی که درآمد کمتر از حداقل دستمزد دارند	39/8%	42/1%	33/1%
درصد همه نیروی کار در منطقه	61/7%	58/3%	69/5%
نسبت مشاغل صنعتی با تکنولوژی بالا به تمام مشاغل در منطقه	22/4%	20/3%	30/15%
نسبت صنعت متعارف و محلی به تمام مشاغل در منطقه	56%	66%	53/5%





2. آموزش

شکاف‌های برجسته‌ای در آموزش و پرورش میان مناطق مختلف رژیی صهیونیستی وجود دارد؛ به طوری که متوسط سرمایه‌گذاری برای هر دانش‌آموز توسط مقامات محلی در تل‌آویو و مناطق مرکزی، بیش از دو برابر سرمایه‌گذاری آموزشی توسط مقامات محلی در «نقب» و «الجلیل» است. (Avi, 2014) بر این اساس، میانگین نمرات آزمون‌های استاندارد شده در مناطق تل‌آویو و مرکزی به طور قابل توجهی بالاتر از مناطق جنوب و شمال برای همه افراد مورد بررسی است. (Central Bureau of Statistics of israel pdf 24, 2013) یک تفاوت معنادار نیز در شکاف بین نسبت کسانی که واجد شرایط برای تحصیلات ابتدایی و تحصیلات عالی در مناطق مختلف هستند، بیان می‌شود. (جدول شماره 8) بنابراین، به غیر از بودجه‌های جاری آموزش و پرورش، که دولت تقریباً به طور مساوی بین مقامات محلی تقسیم می‌کند، یک سیاست تطبیقی نیز اجرا می‌شود تا وزارت آموزش و پرورش بتواند تأمین مالی برای پروژه‌های آموزشی آغاز شده را در مناطق دور از مرکز اجرایی نماید. ولی با توجه به عدم توانایی بعضی از مقامات محلی در مناطق محروم «نقب» و «الجلیل»، این روند باعث ایجاد نابرابری در سطح تحصیلات در مناطق مختلف می‌شود. با این وجود، برخی از مقامات محلی مناطق محروم «نقب» و «الجلیل» توانستند از شکاف ایجاد شده با افزایش کمک‌های مالی و فعالیت در بخش صنایع متعارف عبور کنند؛ هرچند که این الگو، تعداد زیادی از افراد بی‌مسئولیت را پرورش داده است و پروژه‌های کوتاه‌مدت در ذیل آنها توسط سازمان‌های غیر انتفاعی اجرا می‌شود و در نتیجه باعث ایجاد تناقض در سیستم می‌شود. همچنین، این پروژه‌ها سنجش نشده‌اند و متعهد به محصول خروجی نیستند.

دسترسی به مؤسسات آموزش عالی در شکاف‌های برجسته بین مناطق نیز بسیار حائز اهمیت است و این شکاف را عمیق‌تر می‌کند. لازم به ذکر است

اکثریت دانشگاه‌ها و کالج‌ها در مرکز اسرائیل قرار دارند. (جدول شماره 8)

جدول شماره 8- شکاف بین «نقب» و «الجلیل» و مرکز در آموزش و پرورش

(Council for Higher Education in Israel, 2016)

میانگین تل‌آویو و مناطق مرکزی	مناطق شمالی	مناطق جنوبی	راهنمای مقایسه
میانگین نمره در آزمونهای پیشرفت در بخش عبری (سال تحصیلی 2012-2013)			
71/1	64/3	64/3	نمره عبری
76/2	67/6	64/3	نمره انگلیسی
53/4	48/4	44/5	علم و تکنولوژی
72/3	60/9	58/7	ریاضیات
تل‌آویو: NIS8504 هرتزلیا: NIS7608 کفار صبا: NIS7196	آفولا: NIS3129 تایبریوس: NIS3663 آکری: NIS 1959	بیر شوا: NIS3780 دیمونا: NIS2877 یوراهام: NIS 3572	سرمایه‌گذاری در یک دانش آموز توسط مقامات محلی (در سال تحصیلی 2013-2014)
تل‌آویو: %72/2 هرتزلیا: %85/4 کفار صبا: %83	آفولا: %59/7 تایبریوس: %60/7 آکری: %66/8	بیر شوا: %70/5 دیمونا: %63/8 یوراهام: %69/3	درصد تحصیلات دانشجویان 17 ساله (در سال تحصیلی 2015-2016)
تل‌آویو: %9/7 هرتزلیا: %14/7 کفار صبا: %10/1	آفولا: %3/1 تایبریوس: %4/6 آکری: %4/1	بیر شوا: %3/8 دیمونا: %3/4 یوراهام: %7/9	درصد دانشجویانی که شرایط تحصیلات عالی را دارند (در سال تحصیلی 2015-2016)
48	9/7	14/2	درصد دانشجویان کارشناسی ارشد در رشته تحصیلی مختلف (در سال تحصیلی 2015-2016)

3. بهداشت

در بحث مراقبت‌های بهداشتی، میزان پزشکان و پرستاران شاغل در مناطق جنوبی و شمالی 50 درصد کمتر از مناطق مرکزی و تل‌آویو است و همچنین تفاوت‌های قابل توجهی در تعداد تخت‌های موجود برای بخش‌های بستری عمومی بیمارستان‌ها، مراقبت‌های ویژه، بخش‌های کودکان، اتاق‌های عمل و مراکز پزشکی اضطراری وجود دارد. این تفاوت‌ها زمان انتظار برای درمان را در مناطق جنوبی و شمالی افزایش می‌دهد و در نتیجه یک تفاوت اساسی میان استاندارد درمانی تل‌آویو و مناطق دیگر وجود دارد. در نتیجه، در مناطق دورتر از تل‌آویو میزان مرگ و میر نوزادان بالاتر و امید به زندگی کوتاه‌تر است. نظرسنجی‌های اخیر همچنین





نشان می دهد که بخش قابل توجهی از ساکنین جنوب و شمال کشور در مورد عدم وجود خدمات اورژانسی که در آن زندگی می کنند شکایت دارند. چنین حوادثی در مناطق مرکزی و تل آویو بسیار کم است. (جدول شماره 9)

جدول شماره 9- شکاف بین «نقب» و «الجلیل» و مرکز اسرائیل در بهداشت

(Reports by the Ministry of Health, 2016)

راهنمای مقایسه	منطقه جنوبی	منطقه شمالی	منطقه تل آویو
میزان پزشکان شاغل (در هر 1000 نفر)	3,2	3/1	5/1
نرخ پرستاران شاغل (در هر 1000 نفر)	3/3	4/4	6
نرخ تخت‌های عمومی (در هر 1000 نفر)	1/35	1/57	2/02
نرخ تخت‌های اورژانس (در هر 1000 نفر)	0/09	0/16	0/14
شکایات در مورد عدم وجود خدمات اورژانس در منطقه اقامت خود	%23	%29	%14
درصد افرادی که از درمان، تلفنی استفاده نکردند	%17	%12	%4
نرخ مرگ و میر نوزادان (در هر 1000 نفر)	%5/3	%3/9	%2/1

تهدیدات متصور از مهاجرت داخلی برای رژیم صهیونیستی

دلیل اصلی مهاجرت ساکنان «نقب» و «الجلیل» به شهر بزرگ تل آویو و ادامه تمایل سکونت در این شهر بزرگ، در قدرت اجتماعی و اقتصادی آن منطقه قرار دارد. این نکته به نوبه خود، در مورد پیوند و ارتباط مستقیم با اقامت در تل آویو و توانایی تحصیل و ثروتمند شدن به یک ایده تبدیل شده است. ایده ای که نشان دهنده شکاف فقر و غنا در درون جامعه صهیونیست است و جامعه شناسان صهیونیست آن را بسیار مخرب می دانند. با این حال، با توجه به هزینه بالای زندگی در بخش مرکزی، عمدتاً خانواده‌های ثروتمند از نقب و الجلیل هستند که مهاجرت می کنند؛ در حالی که طیف محروم اقتصادی، در مناطق دورافتاده جغرافیایی باقی مانده‌اند. این روند بلاشک شکاف اجتماعی-اقتصادی را در جامعه صهیونیست افزایش خواهد داد. روند مذکور، افزایش نابرابری، احساس

بیگانگی و اختلاف طبقاتی را تشدید می کند و توزیع نامتعادل منابع میان بخش های مختلف رژیم صهیونیستی را تقویت می کند. در عین حال، تقاضای بیش از حد در میان جمعیت صهیونیست برای زندگی در مرکز اسرائیل، احتمالاً تأثیر منفی بر کیفیت زندگی در آنجا دارد. (Soffer,2006:51-55) ممکن است این روند منجر به ساخت و ساز عظیم و ایجاد زیرساخت های پشتیبانی در مقیاس وسیع شود که به نوبه خود باعث از دست دادن تدریجی فضای باز سرزمینی می شود. این فرایندها در حال حاضر منجر به تخریب ساحل و مناطق کشاورزی، حذف چشمه های فعال و عدم توانایی آب برای نفوذ به سطح آب های زیرزمینی شده است. این تقاضای بیش از حد برای مهاجرت به مناطق مرکزی بر توانایی مرکز منطقه برای دفع فاضلاب و زباله تأثیر می گذارد که تأثیر منفی بر کیفیت آب و میزان آلودگی خاک خواهد داشت. علاوه بر این، تقاضای بیش از حد می تواند به دلیل افزایش هزینه های مسکن در مرکز رژیم صهیونیستی (به این ترتیب افزایش هزینه های زندگی) به علت مشکل در رسیدگی به این تقاضای قوی، سبب افزایش مستمر در قیمت مسکن شود.

به علاوه، تقاضای بیش از حد سکونت در تل آویو، تراکم جمعیت در مرکز رژیم صهیونیستی را افزایش می دهد که با توجه به استانداردهای غربی در حال حاضر این منطقه بسیار پر جمعیت است. این تراکم ناشی از فروپاشی سیستم حمل و نقل محلی است. به عنوان مثال در سال 2016، جاده های اسرائیل بیشتر از کشورهای توسعه یافته و پر جمعیت (بیش از 2500 خودرو در هر کیلومتر جاده) رتبه بندی شده است. (Soffer,2010) در صورت عدم استفاده از حمل و نقل عمومی مناسب، استفاده بیش از حد از حمل و نقل خصوصی (افزایش طبیعی از 500000 خودرو در سال) باعث می شود 700000 وسیله نقلیه برای ورود به شهر تل آویو روزانه (افزایش 55 درصد از سال 2000) با سرعت 11 کیلومتر بر ساعت در جاده ها وارد شهر تل آویو شوند. (Dor,2016) در این زمینه پر کردن فضای باز



در مرکز رژیم صهیونیستی توانایی گسترش جاده‌های موجود را به خطر می‌اندازد. بنابراین تغییرات جمعیت شناختی لزوماً منجر به بدتر شدن ترافیک می‌شود که بر توانایی دسترسی به محل کار تأثیر منفی خواهد گذاشت و به رشد اقتصادی آسیب خواهد رساند. بارگیری سیستم حمل و نقل در مرکز و همچنین پیامدهای ناشی از آن مثل آلودگی صوتی و انتشار آلودگی هوا باعث افزایش مرگ و میر و بیماری می‌شود. تراکم جمعیت به خودی خود مشکل نیست. برای مثال، در نیویورک، که مساحت آن کمتر از نیمی از تل‌آویو و بخش‌های مرکزی رژیم صهیونیستی است و جمعیت آن دو و نیم برابر تل‌آویو است، بسیاری از مردم در آسایش نسبی زندگی می‌کنند. تفاوت این دو مورد در زیربنای شهرداری نیویورک است. شهری که برای جابجایی جمعیت به این اندازه طراحی شده است، در حالی که زیرساخت‌های مربوط به منطقه شهری تل‌آویو برای رشد جمعیت از سال‌های گذشته نادیده گرفته شده است. برای مثال، کار در پروژه راه‌آهن سبک شهری در تل‌آویو تنها در سال 2015 آغاز شد، با اینکه این برنامه‌ها در سال 2001 تصویب شده بودند. علاوه بر این، سه ماه پس از شروع کار، وزارت مالیه رژیم صهیونیستی دستور ارزیابی مجدد این پروژه را صادر کرد و ادعا کرد که نمی‌تواند برآورد بار ناشی از رشد غیرمنتظره رشد جمعیت در این کلان‌شهر را جواب‌گو باشد. در کنار ادامه کار بر روی خط راه‌آهن، اختلافات در حال حاضر بین مقامات محلی در مورد بخش قابل توجهی از مسیر بیشتر شده است. در نتیجه‌ی شکاف زیرساختی، تراکم جمعیت در مرکز رژیم صهیونیستی به احتمال زیاد افزایش خواهد یافت و به دنبال آن کاهش کیفیت زندگی و زوال اجتماعی ممکن است در قالب اعتراضات اجتماعی منعکس شود و عدم اجرای قانون و کاهش احساس امنیت شخصی به وجود آید. این وضعیت احتمالاً منجر به بی‌حوصلگی در میان ساکنان مرکز رژیم صهیونیستی خواهد شد که شیوه زندگی، اقتصاد و انتظارات آنها شبیه به افرادی است که در کشورهای غربی



زندگی می‌کنند. این روند آنها را به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور به خاطر اقتصاد محلی هدایت می‌کند و شاید حتی سرزمین‌های اشغالی را برای همیشه ترک کنند. (Soffer,2006:54-55)

تضعیف تعادل جمعیتی در «نقب» و «الجلیل»، تهدید ژئوپلیتیکی برای اسرائیل است. تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که این تهدید مهم و برجسته است. این تهدید نشان می‌دهد که اقلیت‌ها برای تحقق آرمان‌های ملی از طریق استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز یا صلح‌آمیز، برای خودمختاری (کاتالان‌ها در اسپانیا)، یا به جای آن برای اتصال به یک کشور دیگر با یک مرز مشترک (شبه جزیره کریمه) اقدام خواهند کرد. در نتیجه، نمی‌توان انکار کرد که جامعه عرب در اسرائیل که غالباً نارضایتی از موقعیت سیاسی و اجتماعی کشور را بیان می‌کنند، از اقدامات مشابه دیگر اقلیت‌ها در سراسر جهان الگو بگیرند. به نظر می‌رسد تجمع دائمی یهودیان در مرکز اسرائیل ادامه دارد و یک روز قطعاً تل‌آویو به یک ایالت شهری بدون عقبه تدارکاتی تبدیل خواهد شد. (Soffer,2010:46)

تداوم سرزمینی اعراب کنار هم بین الجلیل، یهودا و سامره، نقب، نوار غزه و اردن عبور بین‌المللی نظامی و غیرنظامی بین مناطق مختلف اسرائیل را برای اعراب تسهیل می‌کند و مردم یهودی را که در یک مکان متمرکز هستند بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. با این حال، این سناریو در آینده نزدیک تا زمانی که شهروندی اسرائیل جذاب‌ترین گزینه برای اعراب اسرائیل است قابلیت تحقق ندارد. با این حال ظهور اکثریت اعراب در «نقب» و «الجلیل» به تدریج سبب تضعیف مرزهای اساسی اصلی رژیم صهیونیستی و کاهش توانایی آن برای اجرای قانون در آن کشور خواهد بود. مشکل دولت در اجرای قانون علیه ساخت و ساز غیر قانونی بدوی‌ها در «نقب» یکی از نشانه‌های عمده این موضوع است. علاوه بر این، ظهور یک اکثریت عرب در «نقب» و «الجلیل»، با بسیاری از هنجارهای فرهنگی (به عنوان مثال، هویت چندزبانه در میان جامعه بدوی‌ها)،





قانون، عرف جامعه، مذهب و زبان که از لحاظ مادی متفاوت از دولت اسرائیل است احتمالاً تأثیر مهمی در شخصیت و هویت دولت اسرائیل دارد.

پیشنهادات کارشناسان صهیونیست برای حل مسئله

کارشناسان صهیونیست بر این باورند که روند تشویق و حل و فصل در «نقب» و «الجلیل» باید شامل دو مرحله باشد. اولاً مهم است که رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در ارتقای زیرساخت‌ها داشته باشد که بر کیفیت زندگی ساکنان «نقب» و «الجلیل» تأثیر گذارد تا مانع ادامه مهاجرت آنان از این منطقه شود. این فرآیند مستلزم ایجاد یک اداره مستقل یا ستاد ذیل اداره نخست‌وزیری است که فعالیت همه وزارتخانه‌های مرتبط را هماهنگ کند، اختلافات میان آنها را حل کرده و یک مفهوم سازماندهی و هدایت برای «نقب» و «الجلیل» ارائه دهد. علاوه بر این، این ستاد باید حمایت گروه‌های پر نفوذ سیاسی را برای توسعه «نقب» و «الجلیل» جلب کند. (Efrati, 2017: 107-113) فقدان این گروه‌ها در طول سال‌ها عمیقاً احساس شده است و ناشی از عدم حضور این مناطق در «کنست» است. این تلاش‌ها باید شامل توسعه در زمینه‌های مختلف باشد و باید بر شهرهای عمده مناطق «نقب» و «الجلیل» مانند «بیر شوا»، «دیمونا»، «کامیل» و «تایریوس» تمرکز داشته باشند. در استخدام، مهم است که نهادهای دولتی و دفاتر دولتی به «نقب» و «الجلیل» انتقال داده شوند تا به منظور افزایش تنوع و فرصت‌های شغلی مهاجرت به این مناطق بیشتر شود. همچنین توصیه می‌شود که مراکز اقتصادی قابل توجهی در این مناطق ایجاد شود. مانند یک فرودگاه بین‌المللی در «نوتیم» یا دره «یزرئیل» که ده‌ها هزار شغل را در بلندمدت ایجاد کند. علاوه بر این، مهم است که نقشه راه کسب و کارهای کوچک و متوسط در «نقب» و «الجلیل» ترسیم شود. نیازهای آنها باید مطالعه شود و اقدامات دولتی بر اساس آن تغییر یابد. باید بودجه برای هماهنگی و توسعه کسب و کار از نمایندگی وزارت اقتصاد و صنعت به مقامات محلی، انتقال یابد تا برای مشکلات

در زمان واقعی خرج شود. همچنین توصیه می‌شود که اصلاح قانون مناقصه اجباری به منظور ارجحیت اقدامات مثبت و اعتبار به کسب و کارهای کوچک و متوسط در «نقب» و «الجلیل» را در همه موارد مربوط به خرید عمومی توسط وزارتخانه‌های دولتی و مقامات محلی از تمام نقاط اسرائیل، در نظر بگیرند. علاوه بر این، نرخ مالیات شرکت‌ها و سایر مالیات‌هایی که شرکت‌های بین‌المللی برای فعالیت در «نقب» و «الجلیل» می‌پردازند باید کاهش یابد تا انگیزه‌ای برای فعالیت در این مناطق ایجاد شود. مهم است که سیاست تعادلی بودجه‌ای را برای آموزش و پرورش در نظر گرفت که در آن دولت به شرایط اقتصادی دولت محلی و توانایی آن در سرمایه‌گذاری مستقل در ساکنین شهرش، از مهد کودک و مدارس تا آموزش غیررسمی توجه کند. بودجه اضافی که نیازی به کاهش بودجه‌های مقامات ثروتمند محلی ندارد، وابستگی مقامات محلی «نقب» و «الجلیل» را در صنایع متعارف کاهش می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد برنامه‌های آموزش تحت نظارت و فعالیت‌های غنی‌سازی (در همکاری با وزارت آموزش و پرورش) را اجرا کنند (Ibid).

در این زمینه، نیاز به تقویت همکاری میان مقامات محلی در «نقب» و «الجلیل» باید مورد تأکید قرار گیرد. بنابراین توصیه می‌شود که دولت اقدامات لازم را برای ایجاد یک اداره مشترک که شامل نمایندگان وزارتخانه‌ها است، انجام دهد؛ از آموزش و پرورش تا حمل و نقل و ساخت و ساز. مهم این است که هر دو خدمات آموزشی رسمی و غیررسمی از یک مقام محلی خاص (مانند موضوعات تخصصی) برای دیگر دانشجویان محلی در منطقه ارائه شود. بر این اساس، وزارت آموزش و پرورش باید پول اضافی برای مقامات محلی در جهت ارائه خدمات آموزشی منطقه‌ای بپردازد (Ibid).

در مراقبت‌های بهداشتی، مهم است که قانون بیمه درمانی دولت اصلاح شود تا تعاریف دقیق برای این بخش تعریف شود که هر یک از اعضای صندوق بیمه،



حق دریافت تمام خدمات موجود در خدمات بهداشتی با کیفیت معقول در یک مدت زمان مناسب و در یک فاصله معقول را دارا شوند. به عنوان یک اقدام تکمیلی، بهتر است در وزارت بهداشت، نظارت بر تخصیص بودجه صندوق های بهداشت، بر تعرفه های بیمه درمانی شهروندان اسرائیل صورت گیرد. این سنجش می تواند بخشی از برنامه ملی شاخص های سلامت جامعه اسرائیل باشد. با توجه به تخت های بیمارستانی موجود، احداث بیمارستان دیگر در «نقب» و «الجلیل» باید پیگیری شود. علاوه بر این، گسترش سیستم مرکز اورژانس های پزشکی، جذب پرسنل پزشکی و افزایش هزینه های حمل و نقل بیمار، درمان و خدمات توانبخشی نیز مهم است.

تصمیمات دولت در سال های اخیر به دنبال انجام این وظایف به دلیل مشکلات بودجه و مدیریت مقامات محلی در «نقب» و «الجلیل» اجرا نشد. هنگامی که این مرحله تکمیل شد، ساکنان «نقب» و «الجلیل» به این ادراک خواهند رسید که محل زندگیشان ارزش باقی ماندن را دارد. در این صورت ممکن است مرحله دوم یعنی تلاش برای جذب مردم از دیگر نقاط اسرائیل به «نقب» و «الجلیل» نه برای بهره مندی از یک انگیزه پولی یا هزینه پایین زندگی، بلکه برای بهبود کیفیت زندگی آنها، قابل اجرا باشد.

نتیجه گیری

با توجه به نظریات مطرح شده در مبانی نظری مقاله، عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان تل آویو و مناطق جنوبی و شمالی رژیم صهیونیستی، بالاتر بودن ارزش سرمایه انسانی در تل آویو، امکانات آموزشی قوی تر و عوامل نامساعد فیزیکی، زیست محیطی، فرهنگی و ... در مناطق مبداء، جاذبه ها را در تل آویو به عنوان مقصد افزایش داده است و سبب شده در درون رژیم صهیونیستی موج مهاجرت از شمال و جنوب به سمت مرکز علی الخصوص تل آویو شدت گیرد و رژیم صهیونیستی را در مناطق مرکزی خود با تراکم جمعیت روبرو سازد و این

موضوع را به یک نگرانی مهم برای دولتمردان صهیونیست تبدیل کند. به عبارتی این روند سبب فشرده شدن سرزمینی رژیم صهیونیستی از شمال و جنوب به طرف مرکز می‌شود.

تراکم جمعیت در اسرائیل 350 نفر در هر کیلومتر مربع است. این میزان تراکم (نسبت جمعیت به وسعت) با وجود صحرای نقب (در جنوب کرانه غربی) محاسبه گردیده است. صحرای نقب 60 درصد از وسعت سرزمینی اسرائیل را شامل می‌گردد که منطقه‌ای بیابانی است. بدون در نظر گرفتن صحرای نقب تراکم جمعیت به دو برابر این میزان می‌رسد؛ یعنی 845 نفر در هر کیلومتر مربع. با در نظر گرفتن مهاجرت‌ها از شمال اسرائیل به مناطق مرکزی، برآورد شده که تراکم جمعیت در مناطق مرکزی بیش از هزار نفر است.

حال با در نظر گرفتن این مسئله که رژیم صهیونیستی در مناطق مرکزی در کنار کرانه باختری قرار گرفته است و از مرز کرانه باختری تا دریای مدیترانه در برخی نقاط، فاصله سرزمینی اسرائیل حدود 13 کیلومتر است این میزان بالای تراکم جمعیت در مناطق مرکزی اسرائیل تبعات امنیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی فراوانی می‌تواند به دنبال داشته است و هرگونه حمله احتمالی به مراکز جمعیتی اسرائیل می‌تواند برای اسرائیل بسیار پرهزینه و خطرناک کند.

اگر بخواهیم از منظر عمق راهبردی هم رژیم صهیونیستی را بررسی کنیم و کرانه باختری و نوار غزه را از اراضی 1948 جدا کنیم، شمال اسرائیل از سمت ساحلی و تل‌آویو به شدت باریک می‌شود و رفته‌رفته در جنوب، کمی عمق استراتژیک پیدا می‌کند. این مسأله از حیث جغرافیایی برای اسرائیل ضعف اصلی محسوب می‌شود؛ یعنی در شمال و مرکز رژیم صهیونیستی به هیچ وجه عمق استراتژیک ندارد و اگر در جنوب هم اندکی عمق استراتژیک پیدا کند ماهیت بیابانی این مناطق و عدم تسلط جمعیتی رژیم صهیونیستی بر این مناطق سبب



می‌شود این مناطق برای فعالیت‌های راهبردی کمتر قابل استفاده باشد. مؤلفه جمعیت و سرزمین (حکومت و حاکمیت رژیم اسرائیل) عناصر اصلی تشکیل دهنده‌ی امنیت این رژیم محسوب می‌شود. به بیان دیگر هر نوع خدشه به این عناصر، رویدادی ضد امنیتی برای رژیم اشغالگر محسوب شده و به شدت در صدد جبران آن بر می‌آید. جابه‌جایی جمعیت به سمت مرکز رژیم صهیونیستی جایی که این رژیم کمترین عمق راهبردی را هم ندارد، صهیونیست‌ها را به انجام طرح‌هایی تشویقی برای پراکندگی جمعیت در تمام گستره سرزمینی فلسطین اشغالی ناگزیر می‌کند؛ اما تبدیل شدن تل‌آویو به یک ایالت شهری بدون عقبه تدارکاتی بسیار محتمل است؛ بر همین اساس اشغال کرانه باختری به عنوان یک راهبرد اساسی در اولویت رژیم صهیونیستی قرار دارد که این مطلب می‌تواند به مثابه یک تهدید برای محور مقاومت در نظر گرفته شود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- حاج حسینی، حسین (1385)، «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، فصلنامه راهبرد، سال یازدهم، ش 41 پاییز.
- دادرس، هوشنگ، (1374) «علل مهاجرت و حاشیه‌نشینی و رابطه آن با افزایش جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی تهران.
- زرقانی، هادی، (1386)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی با تأکید بر کارکرد امنیتی - انتظامی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- زرقانی، هادی؛ سجاسی قیداری، حمدالله (1393)، درآمدی بر مهاجرت و امنیت مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی.
- سرایی، محمدحسین؛ حسینی، مصطفی؛ قنبری، محمد، (1394)، برنامه‌ریزی و مدیریت اتباع خارجی در ایران با تأکید بر مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی مشهد: پویا اندیش.
- فخری‌زاده چنارسوخته، حسن (1390)، بررسی عوامل مرتبط با سازگاری مهاجرین افغانی (مطالعه موردی: شهرک گلشهر مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- نظریان، اصغر (1381)، «شهرهای جهان آینده: کانون فاجعه انسانی با بستر تعامل فرهنگی»، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفت و گوی تمدن‌ها. به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها:

ب) منابع انگلیسی

- Amiram Barkat(2016) "Between Central Israel and the Outlying Areas," Globes, May2016, <http://www.globes.co.il/news/article.aspx?did=1001123614>.
- Amit Efrati(2017) The Demographic Threat: Israelis Abandon the Negev and the Galilee, INSS: <http://www.inss.org.il/publication/demographic-threat-israelis-abandon-negev-galilee/>
- Arnon Soffer and Evgenia Bystrov(2006) "The State of Tel Aviv: A Threat to
- Arnon Soffer and Evgenia Bystrov(2010) "Israel Demography 2010-2030: On the Way to a Religious State," University of Haifa ART2/690/549.html.
- Avi Amit(2014) "How Much Does the Local Authority Invest in Each
- Central Bureau of Statistics of israel (2013) "Achievements by 8th Grade Students in Achievement Tests," 2013 http://www.cbs.gov.il/shnaton67/st08_24x.pdf.
- Central Bureau of Statistics of israel (2015) "Internal Migration between Communities according to District and Religion," http://www.cbs.gov.il/shnaton67/st02_26.pdf.
- Central Bureau of Statistics of israel (2015) "Monthly Income and Spending on Housing



- Consumption by Sub District,” <http://www.cbs.gov.il/publications17/1677/pdf/t10.pdf>.
- Central Bureau of Statistics of israel (2015) “Population by Religion, District and SubDistrict,” http://www.cbs.gov.il/shnaton67/st02_19x.pdf.
 - Central Bureau of Statistics of israel (2015) “Sources of Population Growth, according to District and Religion,” http://www.cbs.gov.il/shnaton67/st02_13.pdf.
 - Israel,” University of Haifa
 - Netta Moshe(2017) “Figures for Employment in the Southern District,” Knesset Research and Information Center, July 3, 2017, <http://www.knesset.gov.il/mmm/data/pdf/m04031.pdf>.
 - Nikola Yozgof-Orbach and Arnon Soffer(2016) “Between Judaizing and Losing the Galilee,” University of Haifa
 - Oren Dor.(2016) “The Figures behind the Catastrophe in Transportation,” Student,” Nana, January 14, 2014, <http://news.nana10.co.il/Article/?ArticleID=1030947>.
 - Taken from reports by the Ministry of Health(2016) <https://www.health.gov.il/publicationsfiles/inequality-2016.pdf>, and the Adva Center, <http://adva.org/wp-content/uploads/2015/11/health-gaps-november-20151.pdf>, dealing with inequality in health. The Marker, September 12 <http://www.themarker.com/dynamo/cars/1.3065094>. to the Outlying Areas?” NRG, April 2015, <http://www.nrg.co.il/online/1/>
 - Yair Sheleg, “Independence Day 2015: How Can Young People be Attracted

